

مسیرهای تعامل و تعارض تفکر اجتماعی در ایران و جهان

مهدی محمدی*

چکیده

این مقاله با روش تاریخی- تطبیقی و با چارچوب نظری‌ای که مفاهیم اصلی آن مآخوذ از آرای نظریه پردازانی که آرایشان ناظر به بازاندیشی و بازنگری و عصیان در برابر جامعه‌شناسی کلاسیک بوده آغاز شده، و مسیرهای تعامل و تعارض تفکر اجتماعی در ایران و جهان را بر مبنای عوامل ساختی و عوامل ساخت ذهنی در چهار محور بررسی می‌نماید که عبارتند از: ۱. عوامل ساختی تعامل، نظیر: تأثیرات مدرنیته بر اندیشه و عمل نخبگان، ۲. عامل ساخت ذهنی تعامل، نظیر: دعوی پیوند میان پیشرفت در علم و پیشرفت هم‌زمان در اجتماع ۳. عوامل ساختی تعارض، که شامل: نوع دین و سابقه تاریخی آن و حاکمیت سیاسی دین ۴. عوامل ساخت ذهنی تعارض، گویای این نکته که علوم انسانی بویژه دانش اجتماعی علاوه بر توصیف، تبیین و بازنمایی واقعیت، واقعیت را می‌سازد و شکل می‌بخشد. و آن وابسته به محل و موقعیت نیز می‌باشد. در اینجا دیدگاه دانشمند نیز به جامعه شکل می‌بخشد، ما جهان را جدای دیدگاه مان نخواهیم شناخت؛ این که ما چه کسی هستیم، بر آن اساس واقعیت‌های اجتماعی را می‌سازیم. بدین ترتیب به اهمیت جریان نخبگی بویژه در نقش دانشگاهی آن توجه شده است.

بنابراین، این نتیجه حاصل می‌شود که گزینه تفکر اجتماعی بدون ملاحظات اجتماعی و آموزه‌های دینی، برای پیشرفت و توسعه جامعه، گزینه کارآمد و سازگار با شرایط

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و مدرس دانشگاه مازندران

mohammadi.amoli@gmail.com

اجتماعی ما نخواهد بود. و با بحث از پیامدهای منفی آن در جامعه جهانی و بویژه در ایران، ما را به تأمل بیشتر در این زمینه فرا می‌خواند.
کلیدواژه‌ها: تعارض، تعامل، عوامل ساختی، عوامل برساختی.

مقدمه و طرح مسئله

در زمانه‌ای که جهان به پدیده‌ای چندفرهنگی تبدیل شده است، تغییر در شکل دانش اجتماعی سخن غریبی نیست. "تغییر در اندیشه اجتماعی را می‌توان در اشکال گوناگونی توصیف کرد. می‌توان از رودررویی دیدگاه‌های مدرن و پست مدرن سخن گفت. می‌توان از چرخش نسبتاً محسوس و واقعی کانون توجه اندیشه اجتماعی به مسائلی مربوط به ایده وابسته بودن علم به موقعیت و محل و جهان بینی‌های متفاوت، سخن گفت. وابسته به موقعیت دانستن علم و تعلق آن به جهان بینی‌های گوناگون به این معنا است که ما جهان را همواره از منظر یا دیدگاه خاص می‌شناسیم" (سیدمن، ۱۳۸۶: ۳۵۷). ممکن است یک دیدگاه به هویت جنسیتی، نژادی، ملی یا تمدنی مانند غربی یا آسیایی، مسلمان یا غیر مسلمان، ساخت روابط اجتماعی دینی یا ساخت روابط اجتماعی غیر دینی و حاکمیت سیاسی سکولار یا حاکمیت سیاسی دینی و.... اشاره داشته باشد. در اینجا دیدگاه است که به نگاه ما به جامعه شکل می‌بخشد. ما جهان را جدای دیدگاه مان نخواهیم شناخت؛ این که ما چه کسی هستیم، به این بستگی دارد که چه چیزی درباره جهان می‌توانیم بگوییم یا بدانیم. اینکه دیدگاه ما ناظر بر جهان بینی توحیدی و اسلامی باشد واکنش‌های اجتماعی نیز متناسب با آن تغییر یافته و اجتماع نیز بر آن اساس ساخته می‌شود.

"تلقی دانش به منزله پدیده‌ای وابسته به محل و موقعیت، به این معناست که دیدگاه افراد نیز می‌تواند دانش را ممکن سازد و آرای اجتماعی افراد ناظر به منظر خاصی می‌باشد و باید از ایده دانش اجتماعی کامل و جامع دست برداشت. حقایق اجتماعی تک بعدی می‌شوند. و واقعیت اجتماعی را در عین آشکاربودن پنهان در نظر می‌گیرد. دانش به رفتار و حیات اجتماعی افراد شکل می‌دهد. دانش تنها به بازنمایی واقعیت نمی‌پردازد بلکه آن را